



رشد چشمگیر اسکان موقت مسافران نوروژی در بوستان‌های یزد

رئیس سازمان سیما، منظر و فضای سبز شهری شهرداری یزد از اسکان مسافران نوروژی در بوستان‌های هدف شهری یزد با رشدی بیش از ۱۰۰ درصد خبر داد. به گزارش مدیریت ارتباطات و امور بین‌الملل شهرداری یزد، محمدسعید کاشفی از استقبال بی‌سابقه مسافران نوروژی از بوستان‌های شهری یزد خبر داد و گفت: «براساس آمارهای موجود و طی بازه زمانی ۲۷ اسفندماه سال گذشته تا ۱۵ فروردین‌ماه سال جاری، شاهد رشد بیش از ۱۰۰ درصدی اسکان موقت در بوستان‌های هدف نسبت به جامعه آماری سال گذشته بوده‌ایم؛ به گونه‌ای که حدود ۱۰ هزار چادر مسافرتی در این بوستان‌ها نصب شد.» او اضافه کرد: «بوستان‌های بزرگ شهر، کوهستان و مهر ملل با ایجاد فضای مناسب و خدمات رفاهی، نقش کلیدی در اسکان موقت برای مسافران ایفا کردند که در میان این سه بوستان، بوستان بزرگ شهر باتوجه به موقعیت و دسترسی مناسب‌تر توانسته است مورد استقبال بیشتر قرار گیرد.» رئیس سازمان سیما، منظر و فضای سبز شهری شهرداری یزد همچنین اضافه کرد: «باتوجه به تجربه چندساله اسکان موقت مسافران و نظرسنجی‌های صورت گرفته، توانستیم ایرادات در خدمات ارائه‌شده را شناسایی و نسبت به رفع آن اقدام کنیم.» کاشفی تأکید کرد: «سازمان سیما، منظر و فضای سبز شهری همواره تلاش دارد با ایجاد امکانات بهتر و توسعه ظرفیت‌های موجود، رضایت مسافران و شهروندان را فراهم کرده و یزد را به‌عنوان یکی از شهرهای مقصد محبوب در سفرها تثبیت کند.»

حذف ۱۰۰ مدرسه کانگسی تا مهر

معاون فنی و نظارت سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور اعلام کرد که تا مهرماه امسال ۱۰۰ مدرسه کانگسی جمع‌آوری می‌شود. به گزارش ایلنا، مجید عبداللّهی با بیان اینکه با آغاز سال تحصیلی جدید ۱۶ میلیون و ۷۰۰ هزار دانش‌آموز در ۵۴۰ هزار کلاس درس کشور در حدود ۱۰۰ هزار مدرسه حاضر می‌شوند، گفت: «آموزش و پرورش امری ملی است و در برنامه پیشرفت هفتم بدان تأکید شده است.» او اضافه کرد: «هنوز از مدارس کانگسی و سنگی در کشور صحبت می‌کنیم، از سال گذشته جمع‌آوری مدارس کانگسی را در دستور کار خود قرار دادیم و تا مهرماه ۱۰۰ مدرسه کانگسی جمع خواهد شد. امیدواریم مدارس تخریبی، سنگی و مدرسی که تراکم بالایی دارند با جدیت شناسایی شوند.»

افزایش تعرفه‌های خدمات پرستاری در منزل

معاون پرستاری وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی از تصویب و ابلاغ تعرفه جدید خدمات پرستاری در منزل برای بخش دولتی، غیر دولتی، خیریه و موقوفه خبر داد. به گزارش ایرنا، عباس عبادی جزئیات افزایش این تعرفه‌ها را اعلام کرد و گفت: «این تعرفه‌ها حدود ۴۶ درصد افزایش یافته و چهار خدمت جدید از جمله مشاوره تلفنی و پرستاری از راه دور (دورپرستاری) نیز به خدمات پرستاری در منزل اضافه شده است. این تحول که در پی تجربیات موفق ارائه خدمات پرستاری در منزل در دوران پاندمی کرونا و درخواست دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور صورت گرفته، با اخذ نظرات متخصصان و برگزاری جلسات متعدد در شورای عالی بیمه سلامت به تصویب هیئت‌دولت رسیده است.» به گفته او براساس این مصوبه، تعرفه خدمات پرستاری و پزشکی در منزل در بخش دولتی معادل ۶۰ درصد و در بخش عمومی غیردولتی، خیریه و موقوفه معادل ۸۰ درصد در بخش خصوصی تعیین شده است.

گزارش آموزش



گزارش تحقیقی «هم‌میهن» درباره آزار جسمی و جنسی

دانش آموزان یک مدرسه پسرانه در شهری توسط معلم‌شان

تعرض به نام تنبیه سر‌بازی

روابط عمومی آموزش و پرورش: تا رسیدن به نتیجه نهایی پیگیر ماجرا هستیم

مدیر مدرسه: معلم را اخراج کردیم، به آموزش و پرورش گزارش دادیم



سارا سبزی

خبرنگار گروه جامعه

«ح» مدت‌ها بود که دیگر در کلبوس‌های شبانه‌اش نامی از کسی نمی‌برد. این بار اما فرق داشت؛ انگار یک نفر دست‌هایش را روی گلوبش گذاشته باشد، گریه و فریادش به هم می‌پیچید و از خواب می‌پرید. کلبوس‌ها که می‌آمدند، پدر را صدا می‌زد. «بابا کنارم بمان تا خوابم ببرد.» مادرش هنوز نمی‌دانست که چرا پسر ۱۱ ساله‌اش با گریه از خواب می‌پرد، از او فقط این جواب را شنیده بود: «در کلاس اذیت می‌کنند.» چه کسی؟ همانی که یک‌بار با هم سرکلاس درس رفتند تا به مادرش نشان دهد، اما نیامده بود. «ح» نمی‌دانست با چند هم‌کلاسی دیگر در آن خواب‌ها شریک است؛ کلبوس «تنبیه سر‌بازی» آقای معلم، در آن نمازخانه کوچک مدرسه، دور از چشم مدیر، هم‌کلاسی، خانواده و دوربین‌ها، پسرها ترس را به خواب‌هایشان برده بودند. یک‌نفر دیگر دوست نداشت در آن مدرسه درس بخواند، یک‌نفر ناخن‌هایش را می‌جوید، یک‌نفر با دوستانش دعوا می‌کرد و یک‌نفر هر چه درس می‌خواند کافی نبود، انگار که اضطراب جای کلمه‌ها را برایش پر کرده باشد. مادرها رد تشویش را در آن چشم‌های کوچک می‌دیدند و از «تنبیه سر‌بازی» خبر نداشتند، تا اوایل اسفندماه سال گذشته که آن خبر به گوش‌شان رسید. همان زمان که مدیر مدرسه گفته بود اتفاق خاصی نیفتاده است، نگران نباشید، در نمازخانه مدرسه دوربین گذاشته بودیم، اما هیچ‌کدام از خانواده‌ها نه آن را باور کردند، نه تصویری به آنها نشان داده شد؛ چون دوربینی در کار نبود، فقط تصویر آزارهای معلم در نمازخانه مدرسه بود که در خاطر پسرها باقی مانده بود. کسی دقیقاً نمی‌داند اولین بار چه کسی دید که آقای معلم کلاس پنجم یک مدرسه پسرانه در شهری، یکی دیگر از بچه‌ها را به هوای «تنبیه سر‌بازی»، به نمازخانه روبه‌روی کلاس درس برد. نامی که خودش آن را انتخاب کرده بود.

شاید یکی از آن پسرهای کوچک ۱۱-۱۰ ساله به گوش مدیر مدرسه رسانده بود که معلم به بهانه درس نخواندن، آنها را تنبیه می‌کند، اما مدت‌ها بود که تنبیه فقط بیرون انداختن از کلاس، فریاد زدن یا پرت کردن مازیک نبود. پسرهای کوچک نمی‌دانستند چرا معلم از آنها در نمازخانه می‌خواست که چشم‌های‌شان را ببندند و از لمس بدن‌شان چیزی برای کسی تعریف نکنند؟ فقط می‌دانستند که این اتفاق نباید بیفتد، نباید به‌جای کلاس، در آن نمازخانه باشند و معلم به‌نام «تنبیه سر‌بازی» آنها را «آزار» دهد، مرزهای خصوصی بدن‌هایشان را رد کند و آنها را با کلبوس‌های شبانه و اضطراب تنها بگذارد.

تا اواسط اسفندماه ۱۴۰۳، ۹ دانش‌آموز به مرکز مشاوره آموزش و پرورش شهرداری فرستاده شدند و تا پیش از عید امسال، برای بعضی از دانش‌آموزان دو جلسه و برای بعضی یک جلسه مشاوره روانشناسی تشکیل شد. از میان این ۹ خانواده، امکان دسترسی به هشت خانواده وجود داشت و شش نفر از مادران دانش‌آموزان این مدرسه به «هم‌میهن» از تعرض به فرزندشان گفتند، یک خانواده از سوء رفتار معلم شکایت کرد و یک خانواده هم سکوت را ترجیح داد؛ چون فکر می‌کرد که «آن بنده خدا مریض بود، دوست نداریم با آبروی کسی بازی کنیم. هیچ شکایتی انجام ندادیم چون به بچه ما لطمه‌ای نزده است. آن لحظه خودش نیاز جنسی داشته و بچه‌ای با خودش می‌برده ولی هیچ‌گونه

سوءاستفاده‌ای از آنها نمی‌شد. فرزندم را پیش مشاور بردم و با او صحبت کرده است. از این خوشحال است که می‌گوید معلم مریض بوده و رفته است. ما هم نمی‌خواهیم از آموزش و پرورش این موضوع را پیگیری کنیم.»

مادرها و پسرهای‌شان از دانش‌آموزان کلاس ششم شنیده بودند که سال گذشته برای آنها هم اتفاق مشابهی رخ داده، اما کسی را خبردار نکرده‌اند. روایت مادران شش دانش‌آموز این مدرسه، مشابه دیگری است؛ معلم مدرسه نام آزارهایش را «تنبیه سر‌بازی» گذاشته بود؛ گاهی بشین و پاشو، گاهی لمس اعضای خصوصی بدن با پا و گاهی آزار جنسی همراه با تهدید. او می‌دانست اگر آن چند پسر کوچک را تهدید کند، همه چیز مسکوت باقی می‌ماند. آنها از بد رفتاری‌های معلم سرکلاس می‌گویند، از تذکرها و چندبار به مدیر مدرسه درباره اخراج پسران‌شان از کلاس مدرسه و سوء رفتارهای معلم.

اینطور که پیداست، خبر به ساختمان وزارت آموزش و پرورش هم رسیده؛ روابط عمومی وزارت آموزش و پرورش در آخرین پیگیری‌های روزنامه «هم‌میهن» که هفته گذشته انجام شد، اعلام کرد که حراست این وزارتخانه در انتظار بررسی‌های هیئت نظارت بر تخلفات است. آنها تأکید می‌کنند وزارت آموزش و پرورش به‌شدت پیگیر این ماجراست و اگر تأیید شود، به‌شدت با آن برخورد می‌شود. این وزارتخانه هیئتی به‌نام بررسی تخلفات دارد و رأی آن هم در حیطه آموزش و پرورش است، اما پیگیری قضایی آن شخصی است. قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب سال ۱۳۹۹، جهت قانونی را برای شروع رسیدگی به جرم مطرح کرده است که یکی از موارد آن، تقاضای خود کودک است و طبق آن می‌تواند تقاضا و اعلام کند که جرمی علیه او اتفاق افتاده و درخواست رسیدگی کند و باتوجه به این ماده قانونی، مرجع قضایی ملزم به رسیدگی است. اریه‌هشت‌ماه سال گذشته اورژانس اجتماعی استان تهران اعلام کرد، هرامه به‌طور میانگین ۲۴ هزار تماس با آنها برقرار می‌شود که ۴۵۰۰ تماس مرتبط با وظایف و فعالیت‌های اورژانس اجتماعی است و بیشتر تماس‌ها هم در ارتباط با «کودک‌آزاری» است.

روابط عمومی وزارت آموزش و پرورش در آخرین پیگیری‌های روزنامه «هم‌میهن» که هفته گذشته انجام شد، اعلام کرد که حراست این وزارتخانه در انتظار بررسی‌های هیئت نظارت بر تخلفات است. آنها تأکید می‌کنند وزارت آموزش و پرورش به‌شدت پیگیر این ماجراست و اگر تأیید شود، به‌شدت با آن برخورد می‌شود

رازمان را به زبان آوریم

خبر از اول اسفندماه مثل آب‌راهش را بین پیچ‌های مادرها و پسرهای کلاس پنجم باز کرد و بعد از چندروز دیگر همه می‌دانستند چرا یک روز، معلم سابق به مدیر مدرسه خبر داد که حالش خوب نیست، از مدرسه رفت و دیگر برگشت؟ مادرها ماجرا را به گوش هم رساندند و در گروه کلاسی ولوله‌ای به‌پا شد. یکی از آنها از گفت‌وگوهای داخل گروه چیزهایی فهمید، یک‌نفر از زبان پسرش آن را شنید و یک‌نفر از تماس مادری دیگر خبردار شده بود. پسرها کم‌کم آن راز مگورا برای مادران‌شان تعریف کردند. چندروز بعد از پخش شدن ماجرا، گروه مادران کلاس در شبکه شاد، بدون اطلاع خودشان پاک شد و دیگر کسی نمی‌دانست که پیگیری شکایت از آزارهای جنسی معلم جوان که سال قبل به این مدرسه آمده بود، چطور پیش می‌رود و غیر از اخراج از دو مدرسه‌ای که در شهری در آنها تدریس می‌کرد، چه تصمیم دیگری برای او گرفته می‌شود؟

خانواده‌ها از پسرهای‌شان شنیده بودند که معلم سرشان فریاد می‌زد، گاهی دشنام می‌داد و بارها انسان را از کلاس بیرون کرده بود. آنها از آموزش و پرورش درخواست کرده بودند که برای پسرهای‌شان جلسات مشاوره برگزار شود چون هیچ‌کدام‌شان تا

پایان اسفندماه شکایت قضایی انجام نداده بودند و همه منتظر پاسخی از سمت آموزش و پرورش بودند.

از خواب می‌هراسم

یکی از تنبیه‌های معلم کلاس پنجم که به تعرض می‌رسید، با نشستن روی پای بچه‌ها آغاز می‌شد. شکستگی پای «ح» هم بعد از تنبیه‌های نمازخانه مدرسه بود که برگشت؛ پایی که قبلاً شکسته بود و وقتی معلم آن روز با بدنش روی آن نشست، دوباره ترک برداشت. بعد از آن، «ح» آنقدر مضطرب می‌شد که ناخن‌هایش را مسدود می‌جوید. او بعدها به مادرش گفته بود که در خواب فریاد می‌زدم چون «خیلی ترسیده بودم. صدایم در گلویم بود.» او تا مدت‌ها چیزی از آن روز برای مادر و پدرش تعریف نکرد؛ نگران بود فشار خون مادرش دوباره بالا برود یا پدرش دستش را در کارگاه ببرد. سکوتش تا زمانی ادامه داشت که مادرش از خانواده‌های دیگر این ماجرا را شنید. بعد از پخش شدن ماجرا بین مادران دانش‌آموزان کلاس پنجم آن مدرسه، حالا مادر «ح» هم خبر داشت که از اوایل آذرماه سال ۱۴۰۳، معلم چندنفر از بچه‌های کلاس را به‌بهانه درس نخواندن حداقل یک‌بار به نمازخانه روبه‌روی کلاس برده است؛ نمازخانه‌ای که بعد از بیرون آمدن روایت‌های تعرض از دل پسران کلاس پنجم، برایش دوربین نصب کردند.

مادر «ح» تعریف می‌کند که مدیر مدرسه از شنیدن موضوع شوکه شده بود و وقتی خانواده‌ها پرسیده بودند چرا این موضوع را کتمان کردید، پاسخ داده بود که اگر ما روی معلم فشار می‌آوردیم، موضوع را کتمان می‌کرد. معلم، «ح» را به‌بهانه یک‌هفته سفر رفتن و به درس نخواندن به نمازخانه برده بود؛ بهانه‌ای تکراری، درست مثل آن چه به باقی پسرها گفته بود. حالا خانواده «ح» که مهاجرانی اهل افغانستان اند، منتظر نتیجه اعتراض‌شان به آموزش و پرورش اند و اگر به نتیجه نرسد، آن را از سفارت افغانستان و کمیساریای عالی پناهندگان پیگیری می‌کنند. «وقتی به سفارت موضوع را اطلاع بدهم، خودشان مامور می‌فرستند و چون بچه زیر ۱۵ سال است، حمایت می‌کنند. اخراج، حق آن معلم بود. من گفته بودم دنبال شلاق و گرفتن دبه فرزندم هستیم. به من گفتند حتی اگر این کار را برای یک دانش‌آموز هم انجام داده باشند تا ۷۰ ضربه شلاق دارد. حالا که با ۸-۹ دانش‌آموز این کار را انجام داده، باید جوابگو باشد. همه خانواده‌ها فعلاً منتظریم، ببینیم چه می‌شود. مدیر و آموزش و پرورش گفتند که به آن دامن نزنید و بزرگش نکنید، اما این مسئله خیلی بزرگ است. با خیال راحت در خانه نشسته‌ایم و فکر می‌کنیم بچه به مدرسه می‌رود. پسر من اصلاً متوجه نبود که چه اتفاقی دارد برایش می‌افتد.»

دیگر تنبیه نمی‌شویم؟

«ب» هرگز با کسی در مدرسه دعوا نمی‌کرد اما برای مادرش عجیب بود، چرا پاییز امسال یک نفر را در مدرسه کتک زده است؟ (به درخواست خانواده دانش‌آموزان، نام آنها به اختصار در گزارش آمده و اسامی و صوت گفت‌وگو با خانواده‌ها نیز، روزنامه محفوظ است.)

مادر، ناخن جویدن و اضطراب پسرش را دیده و از او شنیده بود که دوست دارد مدرسه‌اش را عوض کند. همان روزهایی که انگار هیچ چیز از کلاس‌های درس یاد نمی‌گرفت. مادر با خودش خیال کرده بود شاید به دلیل بداخلاقی معلم است که درس پسرش افت کرده و سب‌ها او را از کلاس بیرون انداخته است. آن هم برای حفظ کردن یک شعر کودکانه و نمره پایین در یکی از درس‌ها. حالا خودش را سرزنش می‌کند که چرا به معلم گفته، فرزندم آرام است و به او تشر زده که چطور با او برخورد می‌کنی که مضطرب می‌شود و درس‌هایش را فراموش می‌کند؟ در صدایش هنوز رد پرتنگی از خشم باقی مانده. «روی فرزند من هم مثل بچه‌های دیگر، همان تعرض اعمال شده است. کاش چیزهایی را به معلم نمی‌گفتم، به او گفته بودم که فرزندم آرام است، اما انگار راهی برای سوءاستفاده از او پادشادم. به‌نظر این شگردش بود که بفهمد مادرها دنبال بچه‌های‌شان هستند یا نه؟» او هم تعریف می‌کند که آموزش و پرورش شهری به آنها قول پیگیری داده و «به ما گفتند او را دادگاهی می‌کنیم و از مادران می‌خواهیم که آنجا حضور داشته باشند. گفتند، اگر شکایت جمعی باشد بهتر از فردی است. گفتند، ما تا آخرش این موضوع را پیگیری می‌کنیم.»

همان روز چهارشنبه یکی از هفته‌های اوایل اسفندماه که مدیر مدرسه و خانواده‌ها از ماجرای آزارها در نمازخانه مدرسه خبردار شدند، «ب» هم به خانه رفت و همه چیز را برای مادرش تعریف کرد. «معلم، بچه‌ها را از نظر روانی سرکوب می‌کرد و می‌گفت، شما درس بلد نیستید. این بچه‌ها معصوم‌اند و نمی‌دانند «تنبیه سر‌بازی» چیست؟ واقعاً فکر می‌کردند مربوط به سر‌بازی است. بچه‌ها به‌خاطر ترس و نداشتن درکی از آن اتفاق، چیزی نمی‌گفتند، به آنها گفته بود باید، برای سر‌بازی آمادگی داشته باشید. پسر من همان زمان فهمیده این کار درستی نیست، اما نمی‌توانست به من بگوید. می‌گفت، شما درس نمی‌خوانید و تنبیلید.» خانواده‌ها شنیده بودند کسی پیشنهاد داده است که در نمازخانه دوربین بگذارد تا «معلم را بگیریم»، اما مخالفت کرده بودند. «همه دانش‌آموزان از این موضوع خبردارند و با این کار چندنفر دیگر هم آزار می‌بینند.»

معلم جوان غیر از روزهای هفته، جمعه‌ها هم شاگردانش را به سالن فوتبال می‌برد و در چندماه گذشته برای آنها کلاس فوق‌العاده ریاضی گذاشته بود؛ همان درسی که گفته بود به دردتان نمی‌خورد. دو خانواده روایت مشترکی دارند و می‌گویند: «یک‌بار بعد از تمام شدن ساعت مدرسه، معلم به یکی از بچه‌ها گفته بود که درس ریاضی تو ضعیف است، بیا داخل ماشین.